



تاریخ نگاری دلبخواهی :

روایتی از گذشته حزب کمونیست ایران

رضا مقدم

به نقل از نشریه به پیش: شماره‌های 70 و 72

در پاسخ به مقاله "تناقضات حزب کمونیست ایران و سانتریسم" (احمد شقاقی - به پیش شماره 69) هلمت احمدیان مقاله ای با نام "رابطه تئوری و پراتیک در نزد "اتحاد سوسیالیستی کارگری" (جهان امروز شماره 282، نیمه دوم آبان 1390) نگاشته که توضیح نکاتی را ضروری کرده است.

مقاله احمد شقاقی بر سیاستهای یک دوره معین چند ساله تمرکز کرده و قصد واکاوی تاریخ حزب کمونیست ایران و انشعاباتش را نداشته است. اتحاد سوسیالیستی کارگری هیچگاه خود را انشعابی از جریانات حزب کمونیست ایران ندانسته و اعضای آن سابقه سیاسی متفاوتی دارند و تحلیل واحدی از گذشته سیاسی یکدیگر و احزاب و سازمانهایی که با آن فعالیت میکردند، ندارند و لازم هم نیست که داشته باشند. همین قدر که نسبت به سابقه سیاسی یکدیگر قضاوت منصفانه و از آن مهمتر غیر دلبخواهانه و متکی بر اسناد داشته باشند کافی است. اما حزب کمونیست ایران ترجیح داده تا در پاسخ به مقاله احمد شقاقی وارد سابقه سیاسی بعضی از اعضای اتحاد سوسیالیستی کارگری که حدود بیست سال قبل عضو حزب کمونیست ایران بوده اند را بمیان بکشد تا به خیال خود راه گریزی برای طفره از پاسخ به مسائل کنونی بیابد. اگر هلمت احمدیان پاسخ قانع کننده ای برای موضوعاتی که احمد شقاقی طرح کرده داشت پای سابقه فعالیت من و ایرج آذرین در حزب کمونیست ایران را به میان نمی کشید. بر فرض مجال که شما در شیطان سازی از ما محق باشید، که مطلقاً نیستید، اینها که جواب مقاله احمد شقاقی نیست. احمد شقاقی طبعاً بحثهای خود را بر سر آن موضوعات ادامه خواهد داد اما تا آنجا که به علت جدایی ها از حزب کمونیست ایران بر می گردد وی نیز مانند هر پژوهشگری بسراغ مباحثات طرفین در سال 1370 رفته که در کتاب "بحران خلیج و رویدادهای کردستان عراق، اسناد مباحثات و اختلافات درونی جناح های حزب کمونیست ایران" (دسامبر 1993) درج شده است. آیا هلمت احمدیان کتاب دیگری که حاوی اسناد و منعکس کننده مباحث درونی آنزمان باشد را سراغ دارد که به احمد شقاقی و امثال وی معرفی کند تا آنها با فاکت‌های همه جانبه تری درباره آن مقطع از حیات حزب کمونیست ایران قضاوت کنند؟

مقاله احمد شقاقی بسیار محترمانه بود و کوشیده بود که از نظر خود نقاط ضعف و قدرت حزب کمونیست ایران را توامان ببیند اما هلمت احمدیان اشاره به نقاط قدرت حزب را "اعتراف" نامیده است! نزد هلمت احمدیان در نقد باید به طرف مقابل طعنه زد، متلک گفت و نسبتهای ناروا داد و غیره، یعنی کاری که ایشان در مورد اتحاد سوسیالیستی کارگری و فعالینش ایداً مضایقه نکرده و حتی گشاده دستی به خرج داده است. اما از اینها بگذریم. چرا که بیانگر خشم و عصبانیت هلمت احمدیان هست اما حاوی استدلالی نیست. این نوشته هدفش نشان دادن سخنان غیر مستند و تاریخ سازی دلبخواهی هلمت احمدیان از یک دوره معین از گذشته حزب کمونیست ایران است.

هلمت احمدیان نوشته است: "بر خلاف آنچه که آقای شقاقی در نوشته اش آورده اند انشعاب در حزب کمونیست ایران نه بر سر ارزیابی از حمله آمریکا به عراق و مواضع متفاوت در قبال آن و یا موضوع قیام مردم کردستان عراق بر علیه رژیم بعث، آنگونه که در آنزمان ادعا می شد و اکنون نیز نویسنده "اتحاد سوسیالیستی" آنرا تکرار می کند، بلکه بر سر تفاوت در استراتژی و سیاست کومه له در برخورد به عواقب ختم جنگ ایران و عراق در ارتباط با ادامه کاری نیروی مسلح کومه له بود. دیالوگ بر سر حمله آمریکا به عراق و ارزیابی از قیام مردم در کردستان عراق می توانست مدتها ادامه داشته باشد و وحدت عمل حزب محفوظ هم بماند. حساسیت مسئله نه بر سر این موضوع، بلکه یک سال قبل از آن و بر سر سیاست و عملکرد ما در مقابل عواقب ختم جنگ ایران و عراق بود. رهبری حزب و

بخشی از رهبری کومه له که با وی همراه بود در مقابله با وضعیت جدید قافیه را باخته بود و به جای تلاش برای حفظ ادامه کاری بخش علنی تشکیلات کومه له و مشارکت فعال در تخفیف مشکلات ناشی از وضعیت جدیدی که پیش آمده بود، مقرهای کومه له در کردستان عراق را به کانون بحث‌هایی تبدیل کرده بودند که هیچ ربطی به شرایط عینی که پیش آمده بود نداشتند. به جای برخوردی رزمنده، انقلابی و مسئولانه در قبال نتایج ناشی از ختم جنگ ایران و عراق، آنگونه که از یک کومه له کمونیست انتظار می‌رفت، حتی قادر به سازمان دادن یک عقب نشینی منظم و آگاهانه هم نبود و تنها راه هزیمت را پیش پا می گذاشت."

روایت هلمت احمدیان از موضوع عواقب ختم جنگ ایران و عراق برای سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) در تیرماه 1367 و همچنین علت جدایی‌ها در آذر 1370 غیر مستند و لذا بی اعتبار است. روایت هلمت احمدیان از این دو واقعه مهم در گذشته حزب غیر حقیقت جویانه و دلخواهی است. هلمت احمدیان حقیقت را فدای منفعت سیاسی یک خط مشی معین کرده است. ایشان بعنوان سردبیر یک نشریه دیگر اینرا حتما باید بدانند که بحث بر سر بررسی گذشته حزب کمونیست ایران می تواند تنها متکی بر اسناد باشد و اختلاف نظر حول آن نیز تنها می تواند حول تفاسیر متفاوت از اسناد صورت گیرد نه کنار گذاشتن اسناد و ادعاهای بی پایه و اساس. اکنون در سه ماهه آخر سال 90 هستیم و دهه 40 نیست که تعداد دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی در کردستان انگشت شمار باشند و کارگران ایران اغلب سواد خواندن و نوشتن نداشته باشند. اکنون امری عادی است که کارگران در ایران مدرک تحصیلی لیسانس داشته باشند و عادی تر وفور فارغ التحصیلان دانشگاهی در شهرهای کردستان است. نزد اینها نه تنها تاریخ سازی شما از گذشته حزب کمونیست ایران بی اعتبار است بلکه برای جلب توجه چنین خوانندگانی باید بتوانید توضیح دهید از میان مکاتب و روشهای مختلف بررسی تاریخی و تحلیلی حزب از کدام روش استفاده می کنید و استدلال کنید که چرا این روش معین به هدف شما کمک می کند و نه روشهای دیگر.

عواقب پایان جنگ ایران و عراق هنگامی که پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب در نیمه دوم تیرماه 1367 در جریان بود خمینی جام زهر را سر کشید و با آتش بس در جنگ ایران و عراق موافقت کرد. طبعاً کمیته مرکزی حزب فوراً دستور جلسات خود را تغییر داد و موضوع پایان جنگ را در دستور گذاشت. پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب فوراً یک اطلاعیه علنی درباره آتش بس داد، همچنین یک قطعنامه علنی در تحلیل پیامدهای سیاسی آتش بس تصویب کرد که در نشریات آن زمان حزب درج شد و یک سند داخلی تصویب کرد بنام "ختم جنگ ایران و عراق و موقعیت و وظایف ما در کردستان". این سند حاوی پیش بینی مخاطراتی بود که صلح ایران و عراق می توانست برای فعالیت بخش علنی (اردوگاهها و فعالیت نظامی) ما در نوار مرزی در کردستان عراق داشته باشد و همچنین اقداماتی برای مقابله با عواقب و یا کاهش آن بود. در یک اقدام تکمیلی همچنین کمیته مرکزی حزب یک کمیسیون تخصصی و آشنا به منطقه کردستان و مسائل و مشکلات کومه له ایجاد کرد متشکل از اعضای کمیته مرکزی کومه له که در خارج کشور بودند. حاصل کار این کمیسیون نیز تهیه دو سند تکمیلی بود که به کمیته مرکزی کومه له داده شد باضافه آنکه این کمیسیون موظف شد تا در تمام اقداماتی که از اروپا باید انجام شود، فعالانه مشارکت کند.

کمیته مرکزی کومه له (اکثریت آنها) با قسمتهایی از این اسناد که خواستار سبک شدن اردوگاهها و پذیرش محدودیت هایی برای مبارزه نظامی بود، مخالفت کردند و مخالف اجرای این مفاد از مصوبه پلنوم کمیته مرکزی حزب بودند. ابراهیم علیزاده در پلنوم دوازدهم شرکت نداشت و بعداً در جلسه با اعضای کمیته مرکزی حزب در ترکیبهای متفاوتی چند بار ملاحظات و اختلافات کمیته مرکزی کومه له را بیان کرد. با این حال نظر کمیته مرکزی حزب تغییر نکرد و اگر چه در سطح بحث هر دو سوی مجادله تعدیلهای در مواضع خود را پذیرفتند اما کمیته مرکزی حزب بر اجرای مصوبه خود پافشاری کرد. دو کمیته مرکزی (حزب و کومه له) که هر دو منتخب کنگره تشکیلات خود بودند با هم اختلاف داشتند و از نظر سلسله مراتب تشکیلاتی کمیته مرکزی کومه له می بایست مصوبات کمیته مرکزی حزب را اجرا می کرد. به همین دلیل کمیته مرکزی کومه له در پلنوم خود ملاحظاتی را بیان کردند اما قراری در رد یا مخالفت با سند پلنوم دوازدهم تصویب نکردند و در عین حال در عمل در مقابل اجرای آن مقاومت می کردند و در همین راستا در بخشهایی از تشکیلات نیز همین تبلیغات فعلی هلمت احمدیان، یعنی موسوم کردن طرح سبک کردن اردوگاهها و اعزام به "طرح هزیمت"، را شروع کردند.

هلمت احمدیان بجای اینکه بنویسد پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب، می نویسد "رهبری حزب و بخشی از رهبری کومه له که با وی همراه بود". این صحیح نیست و یک بیان توطئه گرانه از ترکیب اعضای کمیته مرکزی حزب است. همواره تعدادی از اعضای کمیته مرکزی حزب همزمان عضو کمیته مرکزی کومه له هم بودند و به این اعتبار کاملاً طبیعی بود که اینها مدافع سیاستهای حزب در کومه له باشند چرا که خودشان به آن سیاستها رای داده بودند. هلمت احمدیان کاملاً آگاه است که از هیچ جنبه ای و حتی از نظر اخلاقی نمی تواند به کمیته مرکزی منتخب کنگره دوم حزب چنین نسبت های ناروایی دهد که "تنها راه هزیمت را پیش پا می گذاشت." حذف نام پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب و کمیسیون تخصصی آن که از اعضای کمیته مرکزی کومه له بودند، راه را باز می کند تا حقیقت ماجرا را پنهان کند.

هلمت احمدیان در آن زمان عضو کمیته مرکزی کومه له نبود و در واحد انتشارات فعالیت می کرد. البته در چهارچوب کمک به ایجاد اتحاد در کل حزب، این مرسوم بود که مصوبات کمیته مرکزی بر سر موضوعات مهم نظیر همین سند مورد بحث، در اختیار کادرهای ارشد حزب و کومه له نیز قرار گیرد. بخاطر ندارم که در آن زمان هلمت احمدیان در زمره این رده از کادرها بود و این سند را دریافت کرده باشد. منتها مصوبه پلنوم کمیته مرکزی بنام "ختم جنگ ایران و عراق و موقعیت و وظایف ما در کردستان" و همچنین هر دو سند کمیسیون تخصصی کمیته مرکزی حزب بعنوان ضمائم گزارش عملکرد حزب به کنگره سوم ارائه شد. متأسفانه من الان به این اسناد دسترسی ندارم تا آنرا منتشر کنم. نسخه های از این اسناد حتما در آرشیو حزب هست و برای یک بحث اصولی و متکی بر فاکت لازم است هلمت احمدیان آنرا منتشر کند و با استناد به مفاد این اسناد برای خوانندگان ثابت کند که کمیته مرکزی حزب "به جای برخوردی رزمنده، انقلابی و مسئولانه در قبال نتایج ناشی از ختم جنگ ایران و عراق، آنگونه که از یک کومه له کمونیست انتظار می رفت، حتی قادر به سازمان دادن یک عقب نشینی منظم و آگاهانه هم نبود و تنها راه هزیمت را پیش پا می گذاشت." شما حق ندارید بخاطر منافع سیاسی روزتان این وقایع در تاریخ حزب را تحریف کنید. صحیح نیست که اختلاف کمیته مرکزی کومه له با سند مصوب پلنوم کمیته مرکزی حزب را اینگونه روایت کنید.

پیش بینی کمیته مرکزی حزب این بود که با پیشرفت مذاکرات صلح بین ایران و عراق، هر دو کشور به این سمت خواهند رفت که به اپوزیسیونهای یکدیگر اجازه ندهند از خاکشان برای فعالیت علیه یکدیگر استفاده شود. بر این مینا پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی طرحهایی برای مقابله با آن مخاطرات تهیه و تصویب کرد. اما قبل از اینکه مذاکرات صلح ایران و عراق به سرانجامی برسد صدام حسین به کویت حمله و آنرا اشغال کرد. با حمله آمریکا به عراق برای بیرون راندن وی از کویت، ارتش عراق تار و مار و قتل عام شد و از جمله در سند شکستی که رژیم صدام حسین امضا کرد ارتش خود را از کردستان بیرون برد. بدین ترتیب محدودیتی که سند پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب پیش بینی می کرد رژیم صدام برای فعالیت نظامی کومه له ایجاد کند، شدیدتر از آنرا ابتدا جلال طالبانی و بارزانی بدلیل مناسبات حسنه اشان با ایران علیه فعالیت نظامی کومه له ایجاد کردند و این محدودیتها پس از سقوط صدام توسط رژیم دست نشانده آمریکا در عراق دنبال و تشدید شد. به سبب این شرایط در تمام این سالها کومه له همان جهت گیری های سند پلنوم دوازدهم را که برای چنین شرایطی تصویب شده بود، به اجرا گذاشته اما نه تنها بد و بیراه های آن زمان خود را پس نگرفته است بلکه در هر بحث و پلمیکی که در بگیرد همین بد و بیراه های باستانی را تکرار می کند. لطفا آن اسناد را منتشر کنید تا خوانندگان بدانند جهت گیری کدام یک از آن اسناد را خودتان اجرا نکردید!

سند پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب منتخب کنگره دوم حزب از جمله سه جهت گیری عمده داشت و اقداماتی را برای تحقق آن جهت گیریها تصویب کرده بود. این سه جهت گیری بحث برانگیز شد و با مخالفت اکثریت کمیته مرکزی کومه له روبرو گشت. این مخالفت دو جنبه داشت. یک، مخالفت با خود آن جهت گیری و طبعا اقدامات مشخص برای تحقق آن. دو، موافقت با آن جهت گیریها اما مخالفت با اقدامات معین برای تحقق آن و بطور مثال پیشنهاد راههای تعدیل شده تر و یا مناسب تر. پلنوم کمیته مرکزی حزب تاکیدش بر جهت گیریها بود و نه اقدامات معین و کمیسیون تخصصی کمیته مرکزی هم که از اعضای کمیته مرکزی کومه له در خارج بودند قرار بود با اتکا با آشنایی که از مسائل تشکیلات کومه له و کردستان دارند راههای مناسب را تهیه و تدوین کنند. یکی از جهت گیریها این بود: حفظ ظرفیت نظامی کومه له اما پذیرش محدودیت و انعطاف در فعالیت نظامی و به نوعی خواهان کاهش و تغییر اشکال فعالیت نظامی کومه له. من وارد این بحث نمی شوم که کومه له در بیست ساله گذشته چقدر "عملیات نظامی" داشته است. فعالیت نظامی کومه له به دست خود شما و به درست کاملاً قطع شده اما هنوز تصمیم پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی وقت حزب را به حساب اشخاص معینی می گذارید و در این نوشته هلمت احمدیان مشخصاً من و ایرج آذین را، تکفیر می کنید، یعنی از جمله کسانی که چنین شرایطی را پیش بینی می کردند و خواستار کاهش و تغییر اشکال فعالیت های نظامی بودند!

دوما، یک جهت گیری دیگر کوچک کردن اردوگاهها بود هم از طریق انتقال فعالیتهای ارگانهای که لزومی نداشت در کردستان عراق باشند، هم انتقال افراد غیر رزمی و هم اعزام اعضا و کادرها به اروپا برای گرفتن اجازه اقامت و بازگشت آنها به اردوگاه برای مدت معین. به این جهت گیری سیاست اعزام می گفتند و از طرف کمیته مرکزی حزب عبدالله مهندی مسئول اجرای آن بود. بدین ترتیب می رفت تا اعضا و کادرهای کومه له هر چه بیشتر دارای اجازه اقامت در کشورهای اروپایی بشوند تا در هنگام هر مخاطره ای بسرعت بتوانند منطقه را ترک کنند. منظور هلمت احمدیان از "تنها راه هزیمت را پیش پا می گذاشت"، همین سیاست اعزام است.

اکنون کومه له خودش این سیاست اجرا می کند اما هنوز به مصوبه پلنوم دوازدهم و اعضای وقت کمیته مرکزی حزب بد و بیراه می گوید. تازه جالب است اعتراض به سیاست اعزام به اروپا نه از اردوگاه کومه له در کردستان عراق بلکه از جانب کسانی هنوز تکرار میشود که خودشان بدنال سیاست اعزام اکنون سالهاست ساکن اروپا هستند! تا زمانی که ما بودیم هیچ عضو و کادری بر خلاف میلش به اروپا اعزام نشد. حتی اگر هم بر فرض شده بود بیست سال پس از آن جداییها فرصت کافی بود تا اینها اشتباه سیاست اعزام را عملاً تصحیح کنند و به

منطقه برگردند! اگر سیاست اعزام نادرست بود و شماها آنرا خلاف منفعت کومه له می دانستید و می دانید اکنون در اروپا چه می کنید؟ چه کسی مانع شماهاست که برگردید و اعمالتان را با گفتارتان منطبق کنید؟ بعلاوه مگر خودتان اکنون سیاست اعزام ندارید؟ آیا هلمت احمدیان بی اطلاع است که چه تعداد در همین یکساله گذشته به اروپا اعزام شده اند؟ از همه مهمتر چرا سکونت هلمت احمدیان در اروپا هزیمت نیست اما برای دیگران هزیمت است؟

جهت گیری سوم که بر مباحث قدیمی تری متکی بود، مبارزه برای تغییر تلقی عمومی از چهره کومه له بود بعنوان یک سازمان اساسا نظامی. کومه له باید یک هویت جدید از خود ارائه می داد که با کاهش عملیات نظامی و یا قطع آن خدشه دار نمی شد. کومه له باید به سازماندهی اعتراضات در شهرها و روستاها روی می آورد و اساسا بر یک جنبش نوده ای متکی میشد تا محدودیت برای فعالیت نظامی و یا قطع آن و یا کلا محدود شدن اردوگاهها باعث سرخوردگی و غیره نگردد و معنای شکست نداشته باشد. همین سیاست نیز اکنون توسط کومه له اجرا میشود. کومه له در بیست ساله گذشته فعالیت نظامی نداشته و در فراخوان به دو اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان شریک بوده است.

جهت گیری های کومه له برای مقابله با مخاطرات به قدرت رسیدن اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق اساسا همانی است که پلنوم دوازدهم بعنوان راه مقابله با مخاطرات پایان جنگ ایران و عراق (و نه آمریکا!) تصویب کرده بود. حزب کمونیست ایران بجای اینکه جواب انتقاد به سیاستها و عملکرد امروزشان را بدهد به این تاریخ پناه می برد و تازه آن را تحریف هم می کند.

توضیح به پیش برای قسمت دوم:

در به پیش شماره 70، قسمت اول این مطلب درج شد. هلمت احمدیان، سردبیر نشریه جهان امروز، در پاسخ به مطلب "تناقضات حزب کمونیست ایران و سانتربسم" (احمد شقاقی - به پیش، شماره 69)، ادعا کرده بود که: "بر خلاف آنچه که آقای شقاقی در نوشته اش آورده اند انشعاب در حزب کمونیست ایران نه بر سر ارزیابی از حمله آمریکا به عراق و مواضع متفاوت در قبال آن و یا موضوع قیام مردم کردستان عراق بر علیه رژیم بعث، آنگونه که در آزمون ادعا می شد و اکنون نیز نویسنده "اتحاد سوسیالیستی" آنرا تکرار می کند، بلکه بر سر تفاوت در استراتژی و سیاست کومه له در برخورد به عواقب ختم جنگ ایران و عراق در ارتباط با ادامه کاری نیروی مسلح کومه له بود." در قسمت اول این مطلب با اتکا به اسناد ادعای هلمت احمدیان، که اختلافات بر سر عواقب آتش بس در جنگ ایران و عراق برای تشکیلات علنی کومه له و مبارزه نظامی بود، رد شد. قسمت دوم مطلب نیز باز با اتکا به اسناد روشن میسازد که موضوع مورد اختلاف که منجر به جدایی های زمستان سال 1370 شد، اختلاف بر سر موضعگیری در قبال حمله آمریکا به عراق و راه حل آمریکایی مسئله کرد بود.

مقدمه:

از 35 نفر عضو کنگره موسس حزب در شهریور سال 1362، از اولین کمیته مرکزی منتخب کنگره موسس، از دومین کمیته مرکزی منتخب کنگره دوم در سال 1365 و از سومین کمیته مرکزی منتخب کنگره سوم در سال 1367 تا مقطع جدایی در زمستان سال 1370 اکنون تنها فقط یک نفر در حزب باقی مانده است: ابراهیم علیزاده. اکنون بجز ابراهیم علیزاده فرد دیگری در حزب نیست که احساس مسئولیتش در قبال گذشته حزب، با تمام نقاط قوت و ضعفی که داشت، بخشی از وظیفه همیشگی همه مسئولین حزبی در پاسخگو بودن در قبال تصمیماتی باشد که در آن سهیم بوده اند. به همین دلیل ابراهیم علیزاده اولین کسی است که می بایست مانع تحریف تاریخ حزب در نشریه جهان امروز می شد. من در تمام سالهای عضویت در حزب کمونیست ایران عضو کمیته مرکزی بودم و از نظر اخلاقی و سیاسی موظفم که به سهم خود پاسخگوی فعالیتهای حزب و لاجرم کم و کاستی آن تا روز عضویت در حزب باشم، و هستم. به ویژه در مقابل امثال هلمت احمدیان که اکنون از کادرهای موثر این حزب هستند و در سالهایی که من عضو حزب بودم مسئولیتی در تصمیم گیری ها نداشتند و به دلیل فقدان یک وجدان علمی و آکادمیک و همچنین برای یک منفعت سیاسی به روایت دلخواهی از گذشته حزب روی آورده اند.

علت جدایی در سال 1370

حزب کمونیست ایران درباره جدایی های سال 70 که منجر به تشکیل حزب کمونیست کارگری شد، هنوز و پس از گذشت همه این سالها به منفعت سیاسی روز خود نمی داند که تحلیل واقع بینانه و متکی بر اسناد از آن ارائه دهد. موضوع جدایی حمله آمریکا به عراق و موضعگیری در قبال "راه حل آمریکایی مسئله کرد" بود و رهبران و کادرهای فعلی حزب کمونیست ایران مواضع خود در جنگ اول خلیج را به ویژه نزد نسل جدید اعضایشان قابل دفاع نمی دانند. به همین دلیل در تلاشند تا موضوع جدایی را عوض کنند و آنرا بر سر مخاطرات تشکیلات علنی پس از پایان جنگ ایران و عراق جا بزنند تا خود را که مواضعشان عامل جدایی بود، "بی گناه" جلوه دهند. مطابق مطالب نشریه کمونیست، ارگان مرکزی حزب، شماره 63 و ضامم آن، و کتاب "بحران خلیج و رویدادهای کردستان عراق -

اسناد مباحثات و اختلافات درونی جناحهای حزب کمونیست ایران" (1)، موضوع اختلاف بر سر راه حل آمریکایی مسئله کرد بود. برای پنهان کردن این حقیقت که تمام اسناد حزب هم بر آن دلالت دارد، اینها به اعضای وقت دفتر سیاسی حزب که حتی در پلنوم بیستم - که اعلام کردند از حزب جدا میشوند - بعضا به اتفاق آراء به دفتر سیاسی انتخاب شدند، انگیزه های ناسالم و بد طینتی نسبت می دهند و از آنها شیاطین ساخته اند. جدایی سیاسی را که بخشی جدایی ناپذیر از تاریخ همه احزاب است را به تعزیه خیر و شر، و اهریمن و فرشته تبدیل کرده اند. حتی متوجه این تناقض بزرگ هم نیستند که اگر نسبتهای ناروایی که به اعضای کانون نسبت می دهند صحیح است چرا رفتن این افراد "ناباب" با شادی و پایکوبی همراه نیست و موضوع انتقاد است و باعث تضعیف کومه له شده. هلمت احمدیان در نوشته اش طوری می نویسد که انگار جدایی، یا به ویژه جدایی و انشعاب از حزب کمونیست ایران، از نظر اصولی و ذاتا کار پسندیده ای نیست. اشکال نظری و تحلیلی چنین موضع "اصولی" ای هرچه باشد، نکته اینجاست که هلمت احمدیان و حزب کمونیست ایران تنها وقتی به انشعاب کانون و فراکسیون کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران مربوط می شود به این برخورد "اصولی" متوسل می شوند، در صورتیکه جدایی بخشی از رهبران قدمی کومه له به رهبری عبدالله مهتدی و عمر ایلیخانی زاده حتی به ادعای بعضی از مسئولین کومه له باعث قوی تر شدن آنها نیز شد. پس از آن نیز خود کومه له جمعی از کادرهای قدیمی خود و از جمله ساعد وطن دوست (از اعضای کنگره موسس حزب)، مینه حسامی، حبیب گوپلی (کیلانه) و یداله بیگری (از اعضای کنگره موسس حزب) را ناچار کرد تا این سازمان را ترک کنند. به این یک بام و دو هوا باید پایان داد.

اختلافات در حزب کمونیست ایران

از سال 1362 که حزب کمونیست ایران ایجاد شد تا جدایی های سال 1370، سه اختلاف جدی که باعث صف آرایی های عمده در حزب شد، بوجود آمد. صف بندی کادرها و اعضا در هر سه مورد اختلاف با هم متفاوت بود و بعضی ها بارها موضع خود را عوض کردند و از یک جناح به جناح دیگر پیوستند. ابتدا حول موضوعی که در کنگره دوم در سال 1365 طرح آنها آغاز شد و بعدها به کمونیسم کارگری موسوم شد. دوم درباره مخاطرات ناشی از آتش بس در جنگ ایران و عراق برای تشکیلات علنی و مبارزه نظامی در کردستان. و سوم در قبال جنگ اول خلیج و "مواهب" آن برای کردستان عراق. علت جدایی در سال 1370 بر سر مورد سوم بود و نه مورد اول و دوم. در بخش اول این مقاله (به پیش شماره 70) در مورد اختلاف دوم (درباره مخاطرات ناشی از آتش بس در جنگ ایران و عراق برای تشکیلات علنی و مبارزه نظامی حزب در کردستان) توضیح داده شد و در بخش حاضر به مورد اول و دوم پرداخته میشود.

اختلاف بر سر کمونیسم کارگری

با مباحثی که در کنگره دوم حزب در سال 1365 و بر سر سخنرانی افتتاحیه منصور حکمت درگرفت و بعدها مباحث کمونیسم کارگری نامیده شد، میرفت تا تمام فعالیت حزب در کلیه عرصه ها و همچنین بافت حزب دچار تغییرات اساسی شود. مباحث کمونیسم کارگری و سیاستهای ناشی از آن در درون حزب با مقاومت نظری و تئوریک روبرو نبود اگر چه سئوالات و ابهاماتی در سطوح مختلف در مقابل آن مطرح میشد که کاملا طبیعی بود، اما اجرای سیاستها و اقدامات منتج از مباحث کمونیسم کارگری در درون حزب با موانع بسیار بیشتری از آنچه که در ابتدا تصور میشد، روبرو گردید. تقریبا در بیشتر فاصله زمانی بین کنگره دوم و سوم حزب هم خطی اکثریت قریب به اتفاق اعضا و کادرهای حزب با مباحث کمونیسم کارگری و اقدامات سیاسی و تشکیلاتی ناشی از آن که شامل نقشه عمل های مدون و روشن برای تمام عرصه های فعالیت های حزب بود فرض گرفته می شد و لذا تلاش این بود تا عدم پیشرفت کارها در هر عرصه و موردی در خود بررسی و برای رفع موانع آن چاره جویی شود. بمرور روشن شد که با دلایل و انگیزه های متفاوت و حتی بعضا متضاد، یک مقاومت منفی مقابل اجرای سیاستهای ناشی از مباحث کمونیسم کارگری در حزب جریان دارد. مباحث پلنوم کمیته مرکزی حزب قبل از کنگره سوم که تصویب گزارش سیاسی و گزارش عملکرد کمیته مرکزی و همچنین آخرین اقدامات در مورد نمایندگان و تدارک کنگره را در دستور داشت بر بستر یک واگرایی در کمیته مرکزی بود. در تحلیلی که در گزارش عملکرد کمیته مرکزی به کنگره سوم داده شد علت عدم پیشرفت و اجرای سیاستهای کمونیسم کارگری، در مجموع جا نیافتادن و درک نشدن این سیاستها در کل حزب و فقدان طرفداران جدی آن در کمیته مرکزی دانسته شد. (2)

مطابق با این تحلیل، پس از پایان کنگره سوم می بایست یک دور جدیدی از توضیح مبانی کمونیسم کارگری در کل و همچنین بیان مواضع ناشی از آن برای عرصه های مهم فعالیت حزبی آغاز میشد تا هم به درک بهتر و گسترده تر کمونیسم کارگری در کل حزب کمک کند و هم بتواند در سطوح مختلف طرفداران جدی این مواضع را بسیج کند و برای اجرای آنها در حزب سازمان دهد. چند هفته پس از کنگره سوم، کانون کمونیسم کارگری (منصور حکمت، ایرج آذرین، رضا مقدم) به همین منظور تشکیل شد. (3) تشکیل کانون برای عده ای از کادرها و اعضای کمیته مرکزی حزب و کومه له خوشایند نبود. چرا که تا قبل از کنگره سوم سیاستهای کمونیسم کارگری بعنوان نظر جمعی طرح می شد و لذا کمک می کرد تا این استنباط بوجود بیاید که مورد توافق عمومی است اما با تشکیل کانون بسیاری

توسط اعضای حزب مستقیماً مورد سنوال قرار می گرفتند تا درباره مباحث کمونیسم کارگری اظهار نظر کنند. کانون در اولین اقدام خود در یک جلسه درون حزبی (سخنرانی منصور حکمت در اسفند 1367) تبیین بنیادی خود از "مبانی کمونیسم کارگری" را تشریح کرد، نوار آنرا در اختیار اعضای علاقه مند گذاشت و با استقبال بسیاری روبرو شد. دومین جلسه درون حزبی کانون کمونیسم کارگری (سخنرانی منصور حکمت در پنجم خرداد 1368) به بیان نقطه نظراتش در مورد فعالیت حزب در کردستان اختصاص یافت.

در راستای تحقق اهداف کانون، پلنوم پانزدهم (اواسط خرداد 1368) دو مصوبه مهم داشت. یک، "قرار در مورد فعالیت کومه له در شهرها" که درباره اهمیت فعالیت کومه له برای سازماندهی حزبی و تشکلهای توده ای کارگری در شهرهای کردستان بود. پلنوم، کمیته اجرایی حزب و کمیته مرکزی کومه له را موظف کرد تا اجرای آنرا پیگیری کنند. دوم، قرار "تسهیل عضویت کارگران در حزب کمونیست ایران" بود. در جریان برگزاری همین پلنوم پانزدهم بود که خمینی مرد، (در جریان پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی خمینی با آتش بس در جنگ ایران و عراق موافقت کرد). بر اساس مباحث سمینار دوم کانون در مورد فعالیت حزب در کردستان (اوایل خرداد 68) و جهت گیریهای پلنوم پانزدهم درباره کردستان بود که عبدالله مهتدی مقاله بحث برانگیز خود بنام "دورنمای فعالیت ما در کردستان" را نوشت. این مقاله دفاعی بود از مصوبات کنگره ششم کومه له (اردیبهشت 1367). مصوبات و جهتگیری های این کنگره تماماً در راستای مواضع کمونیسم کارگری بود. مقاله عبدالله مهتدی در دفاع از تغییرات مورد نظر کمونیسم کارگری در کردستان و همچنین تلاشی بود برای رفع موانع اجرای آنها. این مقاله (کمونیست شماره 51، تیرماه 1368) به لزوم "تغییر ریل" کومه له پافشاری کرده بود بدین معنی که: "ما در اینجا نه از حزبی که راجع به مسائل کارگری صحبت می کند، یا از مطالبات اقتصادی کارگران "دفاع" می نماید و غیره، بلکه از حزب خود کارگران، از حزبی که با نفوذترین و در عین حال گسترده ترین رهبران و فعالین کارگری را با خود دارد، صحبت می کنیم."

کمیته رهبری کومه له (منتخب کمیته مرکزی برای هدایت تشکیلات بین دو پلنوم) با جهت گیریها و تصمیمات پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب مخالفت بود. ابتدا مانع خوانده شدن مقاله عبدالله مهتدی از رادیو صدای انقلاب شد و تنها پس از یک ماه و نیم فشار تشکیلاتی توسط ارگانهای بالاتر، این مقاله از رادیو خوانده شد. پس از سمینار دوم کانون در مورد فعالیت حزب در کردستان (پنجم خرداد 68)، و پس از پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب (اواسط خرداد 68)، در اواخر خرداد 1368 کمیته رهبری کومه له مسئولین تشکیلاتی را به یک جلسه فراخواند، اما اعضای از کمیته مرکزی کومه له که با سیاستهای آن همراهی نداشتند را به این جلسه دعوت نکرد. در این جلسه ابراهیم علیزاده، جواد مشککی و عمر ایلخانی زاده علیه مواضع پیشنهادی کانون در مورد فعالیت حزب در کردستان صحبت کردند. حاصل این جلسه شوراندن جناح راست و ناسیونالیست در تشکیلات کردستان حزب و ایجاد یک جو هیستریک، غیر سیاسی و همراه با هتاک علیه اعضای کانون کمونیسم کارگری (منصور حکمت، ایرج آذرین و رضا مقدم) بود. در راستای اجرای سیاستهای آن جلسه، مسئولینی که در جلسه حضور داشتند در تمام تشکیلات کومه له پخش شدند و در ارگانهای مختلف جلسه تشکیل دادند تا اعضا و کادرها را علیه کانون و اعضایش بشورانند. (4) جو هیستریک علیه اعضای کانون در کردستان دوامی نیاورد. جناح چپ در کردستان بسرعت از شوک اولیه خارج شد و توانست خود را سازمان دهد و در وهله اول هتاکان و فحاشان جناح راست را کنترل و منزوی کند و فضای سالم سیاسی برای بحث بر سر اختلافات را حتی المقدور، مجدداً احیا کند.

پلنوم شانزدهم (آبانماه 1368) در اوج اختلافات حزب پس از جلسه کمیته رهبری کومه له با مسئولین، و در عین حال اولین پلنومی بود که بعد از ترور رفقا غلام کشاورز و صدیق کمانگر برگزار میشد. زنده یادان غلام کشاورز، از کادرهای ارشد حزب در چهارم شهریور در شهر لارناکا (قبرس) و صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی حزب و کومه له و از رهبران محبوب مردم کردستان، سیزدهم شهریور در یکی از اردوگاههای کومه له در کردستان عراق به دست آدمکشان رژیم اسلامی ترور شدند.

کانون دو سند به پلنوم شانزدهم ارائه کرد. یک، متن گفتگو با منصور حکمت توسط ایرج آذرین بنام "تفاوتهای ما" که بیانگر مبانی کمونیسم کارگری و نقطه نظرات کانون درباره تغییرات لازمه در حزب بود. این متن رسماً به جلسه کمیته مرکزی حزب تقدیم شد تا از مواضع کانون مطلع گردد. این متن بعداً در "بسوی سوسیالیسم" شماره 4، نشریه تئوریک حزب کمونیست ایران منتشر شد. دو، کانون (منصور حکمت، ایرج آذرین، رضا مقدم) بیانیه ای تحلیلی درباره جلسه کمیته رهبری کومه له با مسئولین و عواقب سیاسی، تشکیلاتی و انضباطی آن، کتبا به پلنوم ارائه داد و منصور حکمت متن آنرا (که خودش نوشته بود) بعنوان پیش از دستور در پلنوم قرائت کرد. کانون در این بیانیه "جو سازی، شایعه پراکنی، تحریک، اهانت به افراد، مارک زدن، تحریف آشکار نظرات، خارج شدن از انضباط و موازین میان ارگانها" را تقبیح و محکوم کرد، قاطعانه اعلام کرد که وجود نیروی مرکز را در حزب برسمیت می شناسد، اما نه وجود نیروهای ناسیونالیست و راست را و تاکید کرد که کانون کنگره چهارم را آخرین فرصت برای تعیین تکلیف بین خطوط حزب می داند. (5)

موضوع اصلی پلنوم شانزدهم عملاً رسیدگی به جلسه کمیته رهبری کومه له با مسئولین علیه کانون و عواقب آن برای کل حزب شد. بدنال مباحثی که در پلنوم در گرفت، عمر ایلخانی زاده، حسین مراد بیگی، ساعد وطن دوست، جواد مشکو و ابراهیم علیزاده از کمیته مرکزی حزب و کومه له استعفا دادند. پلنوم کمیته مرکزی حزب با استعفای آنها بجز ابراهیم علیزاده موافقت کرد. ابراهیم علیزاده در پلنوم شانزدهم گفت که هر عضو کمیته رهبری در آن جلسه مسئول صحبت های خود بوده است. ابراهیم علیزاده در آن جلسه و مطابق با روش تا کنونی اش در بیان اختلافات، نزاکت سیاسی را رعایت کرده بود. با تصمیم پلنوم شانزدهم نوار مباحثات این جلسه برای اعضا حزب فرستاده شد. با رسیدن خبر استعفاها و همچنین نوار جلسات پلنوم شانزدهم به کردستان، بمرور بسیاری از مخالفان کانون و فعالین گرایش راست نظر خود را عوض کردند و بعدها عضو فراکسیون کمونیسم کارگری شدند که نزدیک به 9 ماه بعد و در مرداد سال 1369 ایجاد شد. در کانون به اینها (نظیر حسین مراد بیگی، فاتح شیخ الاسلامی، محمد فتاحی، ...) کمونیسم کارگرهای بعد از پلنوم شانزدهم می گفتیم. پلنوم شانزدهم همچنین 6 نفر را بعنوان مشاور کمیته مرکزی انتخاب کرد: اصغر کریمی، رحمان حسین زاده، شعیب زکریایی، خسرو داور، مظفر محمدی و ابراهیم محمدی.

فراکسیون کمونیسم کارگری در مرداد 1369 ایجاد شد تا طرفداران این گرایش را در حزب بسیج و متشکل کند تا اعضای این فراکسیون نیروی عملی ساختن سیاستهای کمونیسم کارگری در تمام عرصه های فعالیت های حزب بشوند. بند نهم اهداف فراکسیون "تدارک برای تعیین تکلیف قطعی حزب کمونیست ایران به نفع حرکت کمونیستی کارگری در کنگره چهارم" بود. پس از کنگره سوم، کانون کمونیسم کارگری و همچنین بعدها که فراکسیون کمونیسم کارگری تشکیل شد، نزدیک به یک سال و نیم فعالیت کرد تا در شهریور سال 1369، فراکسیون برنامه عمل خود را به پلنوم هجدهم ارائه داد و با تصویب کمیته مرکزی یک دفتر سیاسی چهار نفره (منصور حکمت، ایرج آذرین، کورش مدرسی و رضا مقدم) در راس حزب قرار گرفت. منتها شروع کار دفتر سیاسی تقریباً همزمان شد با حمله صدام حسین به کویت که اشغال آن بسرعت بحرانی در ابعاد جهانی ایجاد کرد. تقریباً تمام تلاش دفتر سیاسی برای تهیه نقشه عمل و تدوین سیاست ارگانها و عرصه های مختلف فعالیت حزب با اتکا بر مواضع کمونیسم کارگری، تحت الشعاع بحران جهانی اشغال کویت قرار گرفت. بالاخره تقریباً 4 ماه پس از فعالیت کانون کمونیسم کارگری در قالب دفتر سیاسی حزب، در اواخر دیماه 1369، آمریکا به عراق حمله کرد تا ارتش آنرا از کویت بیرون براند. ارتش صدام از آمریکا شکست خورد و این باعث یک طغیان عمومی در کردستان عراق علیه هر آنچه نشانی از دولت مرکزی داشت، شد. طغیان ملتی که دهه ها زیر یک حکومت دیکتاتوری بیرحم بسر برده بود و هر صدای اعتراضش با خشن ترین شکل ممکن سرکوب شده بود. موضع گیری در قبال رویدادهای کردستان عراق بر اختلافات موجود درون حزب که بر سر مواضع کمونیسم کارگری بود، تاثیر گذاشت و آنرا تحت الشعاع خود قرار داد. حتی باعث تشنت و گیجی در میان اعضای خود فراکسیون کمونیسم کارگری شد. این فراکسیون که خود قرار بود متحد گردد تا سیاستهای کمونیسم کارگری را در کل حزب پیاده کند در فعالیت 4 ماهه اش عملاً فرصت چندانی برای انطباق عرصه های مختلف فعالیت های حزب با سیاستهای کمونیسم کارگری نیافت و با حمله آمریکا به عراق و رویدادهای کردستان عراق خودش نیز دچار اختلافات شد.

اردوگاه شوروی در آستانه از هم پاشیدن بود و گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب به کنگره سوم که منصور حکمت آنرا نوشته بود پیشاپیش نتایج آنرا برای سوسیالیستها شفاف و روشن تبیین کرده بود. بعلاوه مطابق تحلیلهای کمونیسم کارگری با حمله آمریکا به عراق جهان وارد دورانی جدیدی پس از جنگ سرد میشد و میرفت تا مناسبات بین قدرتهای امپریالیستی را نیز تغییر دهد. پایان جنگ سرد و جهان دو قطبی و تلاش امپریالیسم آمریکا برای ایجاد یک جهان یک قطبی و تسلط بر آن بعنوان تنها ابر قدرت باقیمانده میرفت تا از خلال حمله به عراق متحقق شود. واضح بود که این دو تحول بزرگ در سطح جهان رابطه بین خطوط و گرایشهای سیاسی مختلف را نیز در سطح جهان و در کشورهای مختلف دستخوش تغییر و تحول میکند. دفتر سیاسی وقت حزب که با تیز بینی و هوشیاری طلیعه های این وقایع بزرگ را بدرست دیده بود واگرایی مشخص ناشی از این تحولات را در درون حزب بسرعت تشخیص داد. حمله آمریکا به عراق و تضعیف دولت صدام که در سرکوب خشن مخالفان خود و به ویژه نسل کشی در کردستان عراق سابقه ای جنایت کارانه و کثیف داشت طبعاً تاثیرات تعیین کننده ای بر سرنوشت اپوزیسیون عراق می گذاشت و امکان قدرت گیری آنها را فراهم می کرد. بجز مجلس اعلامی عراق که در ایران مستقر بود یکی از مهمترین و بزرگترین نیروهای اپوزیسیون عراق دو حزب ناسیونالیست و مسلح کرد، اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی و حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی، بودند. قوی شدن ناسیونالیستهای کرد عراق تاثیرات جدی در تقویت ناسیونالیسم کرد در تمام منطقه داشت و طبعاً تمایلات و گرایشهای از این جنس که همواره در کومه له نیز وجود داشت را نیز تقویت می کرد و چنین شد.

اختلاف بر سر راه حل آمریکایی مسئله کرد

علت جدایی در سال 1370 اختلاف بر سر مباحث کمونیسم کارگری نبود. کانون و فراکسیون کمونیسم کارگری برنامه شان که کل حزب هم از آن اطلاع داشت رفتن به کنگره چهارم حزب بود تا این بالاترین ارگان حزب درباره سرنوشت حزب و خطوط مختلف آن تصمیم گیری کند. تصور ما این بود که تا کنگره چهارم سیاستهای کمونیسم

کارگری در تمام سطوح حزب به اجرا در خواهد آمد، یک حزب یکپارچه حول این مواضع شکل خواهد گرفت و در عمل جایی برای همزیستی با خطوط دیگر در چارچوب حزب کمونیست ایران باقی نمی ماند. بدین ترتیب برای گرایش‌ها دیگر اگر مصمم به اجرای سیاستها و مواضع خود می بودند تنها راه، یک جدایی داوطلبانه و کاملاً سیاسی بود. فراکسیون کمونیسم کارگری بدلیل مواضع کمونیسم کارگری که مباحث آن از کنگره دوم حزب در سال 1365 آغاز شده بود، قصد جدایی نداشت. بویژه اینکه مخالفان کمونیسم کارگری هیچ آلترناتیو اثباتی که متکی بر یک سلسله تحلیل و پشتوانه تئوریک باشد ارائه نمی دادند تا کل حزب را در مقابل یک انتخاب سیاسی واضح و روشن قرار دهند. با جنگ خلیج و شکست صدام یک راه حل آمریکایی برای حل مسئله کرد نمایان شد و مخالفان کمونیسم کارگری عملاً آلترناتیو اثباتی خود و همچنین تحلیلها و تئوری دفاع از آنرا که اساساً توسط عبدالله مهدی بیان شد، یافتند. برای اولین بار تمام کسانی که در مقابل اجرای سیاستهای کمونیسم کارگری مقاومت منفی می کردند آلترناتیوی یافتند تا حزب را در مقابل یک انتخاب سیاسی شفاف و روشن بگذارند: کمونیسم کارگری یا راه حل آمریکایی مسئله کرد. همزیستی حتی کوتاه مدت این دو خط مشی در یک حزب کمونیستی غیر ممکن شد و از نظر کانون کمونیسم کارگری منتظر شدن تا کنگره چهارم دیگر غیر ممکن بود. در پلنوم بیستم، تقریباً یک سال از پلنوم هجدهم که اعضای کانون در قالب دفتر سیاسی رهبری حزب را در دست گرفتند، این چهار نفر اعلام کردند که از حزب جدا خواهند شد. پس از پلنوم بیستم ابتدا اعضای فراکسیون کمونیسم کارگری در کردستان و سپس اعضای فراکسیون در خارج کشور اجلاس برگزار کردند و تصمیم به جدایی اعضای کانون را تأیید کردند. (6)

هلمت احمدیان نوشته است که "دیالوگ بر سر حمله آمریکا به عراق و ارزیابی از قیام مردم در کردستان عراق می توانست مدتها ادامه داشته باشد و وحدت عمل حزب محفوظ هم بماند." در صورتیکه آن دو موضع گیری به دو پراتیک کاملاً متضاد منجر میشد. موضع رسمی حزب فاصله گرفتن از ناسیونالیستهای کرد عراق (اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان عراق) بود و موضع مسئولین فعلی حزب نزدیکی و دوستی با آنها. یک نمونه دیگر از دو فعالیت متضاد در تشکیلات خارج کشور روی داد. هنگامی که آمریکا حمله خود را تا بغداد ادامه نداد ناسیونالیستهای کرد عراق به قطع جنگ اعتراض کردند و خواهان ادامه جنگ تا سرنگونی صدام حسین بودند. در همین رابطه در خارج کشور، ناسیونالیستهای کرد عراق یک تظاهرات فرا خواندند در مقابل سفارت آمریکا در استکهلم در اعتراض به ختم جنگ! در حالیکه سیاست حزب مخالفت با جنگ و طبعاً شرکت در تظاهراتی ضد جنگ بود، عده ای از اعضا و کادرهای حزب در تشکیلات خارج نه تنها در این تظاهرات شرکت کردند بلکه به مسئولین تشکیلات خارج فشار می آوردند که در دفاع از فراخوان تظاهرات اعتراضی ناسیونالیستهای کرد عراق به قطع حمله آمریکا و ختم جنگ در جلوی سفارت آمریکا در استکهلم اطلاعیه بدهد! اینها نگران بودند که عدم اعتراضشان به قطع جنگ باعث انزوایشان از ناسیونالیستهای کرد عراق شود اما برایشان مسئله ای نبود که حزب کمونیست ایران و کومه له بعنوان یک حزب کمونیستی از جنبش جهانی ضد جنگ منزوی شود. (7)

عبدالله مهدی عضو فراکسیون کمونیسم کارگری، به دفاع از "مواهب" جنگ برای کردستان عراق برخاست و تبدیل به رهبر طرفداران راه حل آمریکایی مسئله کرد شد. وی اعضای کمیته مرکزی و دفتر نمایندگی کومه له در خارج کشور را به یک جلسه فراخواند، تحلیل هایش را ارائه کرد و در مجموع آنها را با خود همراه ساخت و حاصلش شد قطعنامه ای به نام "تحولات کردستان عراق و روش برخورد ما" که برای تصویب به دفتر سیاسی ارائه کرد. اسد گلچینی و اصغر کریمی از اعضای کمیته مرکزی کومه له و حسین مراد بیگی و فاتح شیخ الاسلامی از دفتر نمایندگی کومه له در خارج کشور که با تحلیلها و قطعنامه دوم عبدالله مهدی همراهی کردند در عین حال عضو فراکسیون کمونیسم کارگری هم بودند. و باز بعنوان نمونه، در کردستان هم رحمان حسین زاده و مظفر محمدی که از اعضای فراکسیون کمونیسم کارگری بودند مواضعشان با تحلیلهای کمونیسم کارگری که موضع رسمی حزب بود بسیار فاصله داشت. رحمان حسین زاده که عضو وقت کمیته رهبری کومه له بود در دفاع از مواهب جنگ آمریکا برای کردستان عراق در اردوگاههای کومه له حداقل سه سخنرانی کرد. (8)

انتشار دو مطلب تقریباً همزمان از منصور حکمت و ایرج آذین بسرعت به تشنت در فراکسیون کمونیسم کارگری پایان داد. "نقش ناسیونالیسم در تراژدی کرد" (کارگر امروز، شماره 14، خرداد 1370، ژوئن 1991) از ایرج آذین و مطلب کار ساز و عمیق "ناسیونالیسم و رویدادهای کردستان عراق - نقد سه نوشته از رفیق عبدالله مهدی"، از منصور حکمت که درونی منتشر شد، صفوف فراکسیون کمونیسم کارگری را مجدداً متحد کرد. (9)

حزب کمونیست ایران در قبال حمله آمریکا به عراق و رویدادهای کردستان عراق با دو خط مشی کاملاً متفاوت روبرو بود. یکی خط رسمی که توسط دفتر سیاسی بیان می شد و اکثریت تشکیلات که عضو فراکسیون کمونیسم کارگری بودند از آن دفاع می کردند. در مقابل اقلیتی از اعضا و کادرهای حزب که دو تن از رهبران شاخص و قدیمی کومه له، عبدالله مهدی و ابراهیم علیزاده و اکثریت ضعیفی از کمیته مرکزی کومه له را با خود داشت، قرار داشتند. روش کلاسیک احزاب برای چنین اختلاف بزرگ و عمیقی این بود که اکثریت حزب را در اختیار بگیرد و اقلیت جدا شود. اما کانون کمونیسم کارگری تمامی راه حلهای ممکن برای فائق آمدن بر شکاف عظیمی

که در حزب بوجود آمده بود را مورد بررسی قرار داد و بهترین و کم درد ترین راه را جدایی اکثریت عظیم اعضا و کادرها از حزب کمونیست ایران و تشکیل حزب کمونیست کارگری دانست.

راه حل آمریکایی مسئله کرد

مباحثی که در آن زمان جریان داشت در تلاش بود تا موقعیت کاملا جدیدی که جنبش کردستان در عراق در پس حمله آمریکا یافته بود را توضیح دهد و دلایل غیر قابل حمایت بودن آنرا تشریح کند، اما نتوانست عبارتی را بدست دهد که بتواند این دوران جدید را با فشردگی بیان کند. تقسیم کومه له به قدیم و جدید، و یا کمونیست و ناسیونالیست و یا کوشش برای یافتن صفتی برای جنبش کردستان که بتواند تفاوت سوسیالیستها و ناسیونالیستها را از منظور متفاوتی که دارند بیان کند، کافی نبود. دوران جدید، پیدایش "راه حل آمریکایی مسئله کرد" بود و ده سال بعد که جرج بوش پسر در تدارک جنگ دوم خلیج بود این مسئله به عینه برای همگان روشن شد.

در جنگ دوم خلیج قرار بود آمریکا از پایگاههای ناتو در ترکیه استفاده کند و با کمک دو حزب ناسیونالیست کرد (اتحادیه میهنی و حزب دمکرات) بدون هیچ جنگی از طریق کردستان وارد خاک عراق شود. نقشه آمریکایی ها این بود که در کردستان عراق مستقر شوند و از آنجا به دیگر مناطق عراق حمله کنند. ناسیونالیستهای کرد عراق تا این حد آلت دست آمریکا شدند. منتها در آخرین روزهای قبل از حمله، پارلمان ترکیه با استفاده آمریکا از خاک ترکیه برای حمله به عراق مخالفت کرد. ارتش آمریکا ناچار شد تاریخ حمله را به تعویق بیندازد. هم برای تغییر نقشه و طرح های جنگی و هم برای انتقال تجهیزات و نیروهایش از پایگاههای ناتو در ترکیه به کشورهای عربی در خلیج فارس و تدارک حمله از آنجا.

ده سال پس از جنگ اول خلیج، حزب کمونیست ایران بدون هیچ توضیح سیاسی ای درباره تفاوت ماهیت جنگ اول و دوم خلیج، در موضع گیری رسمی و قطعنامه ای که داد از حمله دوم آمریکا به عراق توسط بوش پسر، حمایت نکرد. اینکه این موضع رسمی بعدها و در عمل به چه منجر شد اکنون موضوع این مقاله نیست. در صورتیکه حزب زحمتکشان به رهبری عبدالله مهتدی موضع منسجم خود را حفظ کرد و همچنان طرفدار راه حل آمریکایی مسئله کرد باقی ماند. اکنون سنوالات اساسی در مقابل حزب کمونیست ایران این است که چرا فقط مردم کردستان عراق حق داشتند از "مواهب" مداخله نظامی امپریالیستها در کشورشان بهره ببرند؟ چرا مردم افغانستان که در اثر مداخلات امپریالیستی از شر نظام ارتجاع سیاه طالبان خلاص شدند، حکومتهای آنها مانند حاکمان کردستان عراق قابل دفاع و یا مانند جلال طالبانی شایسته تبریک نیستند؟ آیا غیر قابل دفاع بودن حکومتهای افغانستان و اخیرا لیبی و مردم "رها شده" از شر دیکتاتوری این کشورها به دلیل ماهیت سیاسی و طبقاتی متفاوتی است که با حاکمان کردستان عراق دارند و یا تفاوت ملی؟ چرا کومه له و حزب کمونیست ایران دو رابطه کاملا متفاوت با طرفداران راه حل آمریکایی مسئله کرد در عراق (دو حزب حاکم کرد) و ایران (حزب زحمتکشان و عبدالله مهتدی) دارند؟

عبدالله مهتدی که طرفداران راه حل آمریکایی مسئله کرد را در حزب کمونیست ایران و کومه له در دوران جنگ اول خلیج علیه مواضع سوسیالیستی و انترناسیونالیستی فراکسیون کمونیسم کارگری که خودش مدتها عضو بود، متحد و بسیج کرد نزدیک به دهسال است که از کومه له جدا شده. کومه له اکنون طرفدار راه حل آمریکایی مسئله کرد نیست و با احزاب و سازمانهای کرد ایرانی طرفدار راه حل آمریکایی مرزبندی دارد. اما برای گریز از ادعان به اشتباه بودن دفاع از راه حل آمریکایی مسئله کرد در جنگ اول خلیج موضوع جدایی ها را با وجود صدها صفحه سند اعم از قطعنامه و مقاله عوض میکند، روایت دلخواهی و خیال بافانه ای از گذشته حزب و اختلافاتش ارائه می کند که طبعاً واقعی و متکی بر هیچ سندی نیست و تنها آرزوست. آرزوی اینکه کاش وقایع گذشته اینطور که اینها امروز روایت می کنند اتفاق افتاده بود. بازسازی خیال پردازانه گذشته برای نیازها و منافع سیاسی امروز دفاع از هر منفعتی باشد دفاع از حقیقت و دفاع از منفعت کارگر و سوسیالیسم نیست.

زیرنویسها:

1- فهرست مطالب این کتاب را در ضمیمه شماره 1 می خوانید. این کتاب تاکنون دو بار و در دو قطع متفاوت چاپ شده است. چاپ اول در ژوئیه 1993 در دو جلد و چاپ دوم نیز در یک مجموعه یک جلدی در دسامبر همان سال بود. اما تاکنون نسخه اینترنتی آن (پی دی اف) منتشر نشده است و اگر بود، تحریف امثال هلمت احمدیان را دشوارتر می کرد.

2 - رجوع کنید به رضا مقدم، "در این بن بست، سه حزب کمونیست کارگری در انتهای راه"، گزارش عمکرد کمیته مرکزی حزب به کنگره سوم، صفحه 199، یا بخش جمع بندی این گزارش که در پائین آمده است:

با توجه به گزارش عملکرد هر یک از سازمانها و ارگانهای حزب بسادگی میتوان گفت که ما نتوانسته ایم نقشه عمل روشنی که در تمام عرصه های فعالیت حزب وجود داشته است را پیاده کنیم و تحقق بخشیم. فعالیت "رضایت بخشی" نداشته ایم. اصولا حزبی را نمی توان یافت که از کارهایی که باید انجام دهد و همگی نیز بدان واقف بوده اند، جلو بیافتد. ستون بدهکاری فعالیت احزاب همیشه پر است.

اما فعالیت حزب ما را نمی توان اینگونه قضاوت کرد. در کنگره دوم، با طرح مباحث کمونیسم کارگری، حزب ما در مقابل یک انتخاب قرار گرفت. این انتخاب به همراه خود چیزی که در اوائل کار تنها یک "تبصره" بر مباحث کمونیسم کارگری به نظر می آمد را نیز به همراه داشت و آن فرصت و زمان محدود برای درک و هضم و اتخاذ همه جانبه این مباحث توسط کل حزب بود. هر چه زمان بیشتر گذشت آن باصطلاح "تبصره" خود را نمایان تر کرد. امروز کمونیسم کارگری بدون درک آن "تبصره" قابل فهم نیست. با توجه به آنچه که در گزارش کمیته مرکزی درباره اوضاع جهان و وضعیت کمونیسم بیان گردیده است، "فرصت و زمان محدود" در کنگره دوم در این کنگره به "فرصت و زمان محدود" به توان دو تبدیل شده است و "انتخاب" به "تنها راه" و "تنها راه" به یک اولتیماتوم عینی که واقعیت در مقابل حزب ما قرار داده است.

در توضیح علل عملکرد اینگونه حزب در سه سال گذشته، در خلاصه ترین شکل میتوان گفت، جهت گیری ها و ایده های کنگره دوم و کمونیسم کارگری در کل حزب جا نیافتاد و درک نشد. طرفداری جدی در کمیته مرکزی و رهبری حزب که تازه آن "تبصره" معروف را نیز درک کرده باشد، نیافت. بنابراین کمونیسم کارگری با وجود پلاتفرمهای روشنی که برای کلیه عرصه های فعالیت حزب داشت، در کل حزب این چنین پراتیک شد.

سیاست و خط مشی حزب بعد از کنگره سوم باید همان باشد که در کنگره دوم مورد تصویب قرار گرفته است و مباحث و نقشه عملهایی که بعد از کنگره دوم مطرح شده است. باید به اینها مباحثی را که گزارش کمیته مرکزی درباره اوضاع جهانی بیان کرده است، افزود. بعلاوه اینکه در مورد هر یک از سازمانهای حزبی در خود این گزارش مستقلا مطالبی مطرح شده است.

حزب ما برای پیشبرد اهداف خود نسبت به کنگره دوم در شرایط دشواری قرار دارد. زمان برای آنکه فعالیت حزب خود را، همانگونه که در کنگره دوم بیان شد، نه با فعالیت و کارکرد ارگانهای آن بلکه با تاثیراتی که در جامعه و در جنبش کارگری میگذارد ارزیابی کنیم، بسیار تنگ تر است. فعالیت حزب ما در آینده با دشواریهای زیادی روبرو خواهد شد. افق پیروزی ما و عبور حزب از میان کلیه موانعی که در سر راه دارد، قبل از هر چیز در گرو درک و هضم کمونیسم کارگری در کل حزب، همبستگی، از خود گذشتگی، فداکاری، سخت کوشی، رعایت یک انضباط آهنین و وجود یک رهبری فعال و مصمم است. حزب ما همانگونه که شایسته آن است از این موانع با کمترین تلفات ممکن عبور خواهد کرد. کمیته مرکزی بهمن سال 67

3- برای چگونگی تشکیل کانون کمونیسم کارگری رجوع کنید به رضا مقدم، "در این بن بست، سه حزب کمونیست کارگری در انتهای راه"، صفحه 133، زیر نویس 89. نسخه اینترنتی (پی دی اف) این کتاب در سایت اتحاد سوسیالیستی کارگری قابل دسترس است. آدرس سایت اتحاد سوسیالیستی کارگری: www.wsu-iran.org

4 - سخنران مقرر رادیو صدای انقلاب (رادیو کومه له) فاتح شیخ الاسلامی بود. فاتح شیخ الاسلامی در سخنرانی خود، که نوار آن باید در آرشیوهای حزب هنوز باقی باشد، به اعضای کانون حمله کرد و از جمله منصور حکمت را با پلخائف مقایسه کرد که دوره ای مارکسیست بوده و دیگر نیست. منتها جو علیه اعضای کانون در کردستان در کل چنان غیر سیاسی بود که در مقام مقایسه سخنرانی فاتح تئوریک جلوه می کرد. اشاره بیانیه ارائه شده کانون به پلنوم شانزدهم به "تحریک تئوریک" و "تازه تئوریسین راست" این سخنرانی فاتح شیخ الاسلامی را مد نظر دارد. در این دوره کورش مدرسی بعنوان یکی از اعضای کمیته رهبری کومه له مخالفتش با کانون و اعضای آنرا با عبارات و کلمات غیر سیاسی و زشتی بیان می کرد.

5 - "در خاتمه ...

کمپین ما برای کمونیسم کارگری هدف خود را تغییر همه جانبه این حزب قرار داده است. کنگره چهارم حزب کمونیست ایران از نظر ما باید پایان این پروسه و نقطه تعیین تکلیف رسمی و قطعی حزب باشد. برنامه حزب، کمیته مرکزی حزب، موازین تشکیلاتی و نقشه های فعالیت حزب باید دگرگون بشود. اگر کنگره چهارم کنگره چنین تحولی نباشد راه ما جدا میشود. در هر حال کنگره چهارم نقطه پایان همزیستی گرایشهای مختلف در حزب خواهد بود. این ضرب الاجل زمانی از نظر ما ناظر به دوره ای است که ما به شیوه سیاسی و بر مبنای موازین و اصول حزب کمونیست ایران برای تقویت سوسیالیسم کارگری در این حزب مبارزه میکنیم. طی شدن این روند به شیوه فوق منوط به وجود و کارآئی چنین مناسباتی است. تجربه چند ماهه اخیر نشان داده است که جناح راست در این حزب به این مناسبات پایبند نیست. این موقعیت دشواری را برای ما ایجاد کرده است. ما حزبی را که در آن فتوای

فقهی و عقب مانده شیخ عزالدین حسینی همان روز از رادیوی حزبی پخش شود و پخش مقاله رسمی ارگان مرکزی از همان رادیو بعد از یکماه و آنهم با تذکر و استفسار عملی شود را با خود و با یک دهه تلاشمان برای ساختن یک حزب کمونیستی بیگانه می بینیم. ما کمیته حزبی‌ای را که روابط خود را با فلان شاخه حزب دمکرات "تفاهم آمیز" توصیف میکند و در همان حال علیه فعالین و سخنگویان و رهبران شناخته شده این حزب، آنهم بدلیل طرح مدون و روبات نظراتی در دفاع از مارکسیسم و طبقه کارگر، دست به تحریک و ایجاد جو خصومت آمیز میزند را نمیتوانیم برسمیت بشناسیم. ما وضعیتی را که در آن اعضای از کمیته مرکزی حزب در راه سیاست مصوب کمیته مرکزی برای بازسازی تشکیلات خارج کشور و تصفیه اپورتونیسم علنا سنگ اندازی میکنند و این را نشانه قدرت خودشان میدانند ناهنجار و ناگوار میدانیم.

این وضعیت به شکل کنونی قابل ادامه نیست. از اینرو ما اعلام میکنیم که قاطعانه برای کنار راندن جریانات راست از حزب و از مراجع کلیدی آن مبارزه میکنیم. برای کسانی که مدعی دفاع از انسجام و وحدت حزب هستند باید روشن باشد که این هدف تنها با کنار زدن جدی جریانات راست در حزب ممکن است. اگر این امر صورت نگیرد، تناقضی که امروز بروشنی در حزب دیده میشود، راه سیاسی و اصولی برای تعیین تکلیف گرایشات در حزب را کور خواهد کرد.

ما حزب کمونیست ایران را محصول یک تلاش مارکسیستی و چپ در جامعه میدانیم. این حزب ماست. لذا نه فقط هیچ نوع مشروعیتی برای ابراز وجود راست در این حزب قائل نیستیم، بلکه هرچیزی را هم که خواسته یا ناخواسته به بقاء راست در این حزب میدان بدهد در تناقض با آرمانها و پرنسپ هائی میدانیم که این حزب بر آنها بنا شده است."

6 - رجوع کنید به ضمیمه شماره دو، گزارش پلنوم بیستم به اعضا و همچنین نشریه کمونیست، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران، سال نهم، شماره 63 و ضمائ آن، مهر و آبان 1370، که تمام مطالب آن درباره تحولات درونی حزب است.

7 - رجوع کنید به "بحران خلیج و رویدادهای کردستان عراق - اسناد مباحثات و اختلافات درونی جناحهای حزب کمونیست ایران"، چاپ دوم، متن نوار پیاده شده مباحثات جلسه مسئولین کومه له در خارج کشور در ژوئن 1991، صفحه 113 - 110.

8 - مظفر محمدی با نام مستعار "سمکو" کتابی نوشت بنام "یک فعال جنبش شوراهای از کردستان عراق سخن می گوید". این کتاب که به زبان کردی بود و بفارسی هم ترجمه شد مجموعه یادداشتهای وی از شرکتش در جنبش شورایی در کردستان عراق بود. در ارتباط با انتشار این کتاب، نشریه کارگر امروز با وی مصاحبه ای انجام داد که در شماره 24، فروردین 1371 درج شده است. مظفر محمدی تنها پس از آنکه به خارج کشور آمد و چندین ساعت با ایرج آذرین بحث کرد به صحت تحلیلها و مواضع رسمی حزب که همان مواضع فراکسیون کمونیسم کارگری بود، پی برد.

9 - در بخش پایانی مطلب منصور حکمت آمده بود: "من درباره نکاتی که در این مقالات آمده نظر دادم. آنچه نوشته شده ناسیونالیستی است. اما جدایی واقعی و برتران مهم تر این نگرش از سوسیالیسم و کمونیسم را نه در آنچه نوشته شده بلکه در آنچه نوشته نشده باید جستجو کرد. رها کردن افق جهانی و عدم نگرش به مساله کرد در متن یک تقابل وسیع تر طبقاتی در خارج مرزهای کردستان، ندیدن عروج میلیتاریسم امپریالیستی، ندیدن رشد شکافهای ملی میان زحمتکش کرد و عرب، ندیدن تلاش بورژوازی در جهت تبدیل کرد به مثابه یک ملت به پایگاه دخالت امپریالیستی در منطقه، ندیدن راه حل ارتجاعی و شبه - اسرائیلی و از بالای قدرتهای امپریالیستی برای مساله کرد، ندیدن تاثیر توهمات ملت کرد و اپوزیسیون کردستان عراق بر جنبش ضد جنگ و بر مبارزه کارگر غربی علیه بورژوازی تجاوز گر خودی، جدا کردن تجربه کرد از یکی از مهمترین بحرانهای سیاسی بین المللی و لذا کمک به مخدوش کردن حافظه تاریخی کارگران، و به ویژه کارگر و زحمتکش کرد، در قبال این بحران وسیع تر، ندیدن نظم ارتجاعی ای که از جمله (و در حاشیه) با سوء استفاده از ستمکشی مردم کردستان دارد در کل دنیا شکل میگیرد، اینها مقالات فوق را تماما نسبت به سنت کمونیستی بیگانه می کند و جزو میراث ناسیونالیسم رادیکال قرار می دهد."

در بخش پایانی نوشته ایرج آذرین از جمله آمده بود: "سیاست سوسیالیستی اگر می خواست در شورش اخیر شهرهای کردستان نقشی مستقل بیابد، می بایست از همان شروع بحران کویت، یعنی همان وقتی که احزاب ناسیونالیست پایه حرکت خود را ریختند، آغاز کند. سیاست سوسیالیستی می بایست در تقابل با ناسیونالیسم کرد، از جانب کارگران کرد به همه دنیا اعلام می کرد که اگر چه خود در عراق در استثمار و ستم است، اما این لشکر کشی را نه فقط منجی خود نمی بیند بلکه به این سبب که دست آمریکا را در جهان قویتر می کند مغایر با منافع همه کارگران جهان می داند. ... جهان باید می دید که ناسیونالیسم کرد که در کنار آمریکا موضع گرفت، تنها صدایی نیست که از کردستان بر می خیزد."

بعد از انتشار این مطالب در تاریخ در تاریخ سی ام ژوئن 1991 در استکهلم مجدداً جلسه ای برگزار شد با شرکت اصغر کریمی، فاروق بابامیری، محمد امین حسامی، صلاح مازوجی، ابراهیم محمدی و اسد گلچینی از کمیته مرکزی کومه له و عبدالله مهتدی بعنوان مسئول امور کومه له در خارج کشور، و ابوبکر مدرسی، احمد اسکندری، فاتح شیخ الاسلامی و حسین مراد بیگی از دفتر نمایندگی کومه له در خارج کشور. در این جلسه مواضع عبدالله مهتدی و قطعنامه هایش مورد بحث قرار گرفت. اصغر کریمی، اسد گلچینی، فاتح شیخ الاسلامی و حسین مراد بیگی اعلام کردند که از مواضعی که در جلسه قبل در دفاع از تحلیل‌های عبدالله مهتدی داشتند و منجر به قطعنامه دوم عبدالله مهتدی شد فاصله می‌گیرند و نقدهای منصور حکمت به قطعنامه‌ها را می‌پذیرند. و بقیه و از جمله صلاح مازوجی همچنان آن قطعنامه‌ها را تأیید کردند. صلاح مازوجی: "من سعی می‌کنم بطور خلاصه موضع خودم را در مورد قطعنامه و جزوه رفیق منصور حکمت در نقد قطعنامه‌ها بگویم. به نظر من الان هم این دو قطعنامه و هم مقاله رفیق عبدالله در کارگر امروز موضعی اصولی است و الان هم برای من قابل دفاع است. علیرغم اینکه فلان بند یا فلان عبارت را میشد بشیوه مناسب‌تر نوشت ولی کلاً با تبیینی که داده و موضع سیاسی در قبال آن و وظایف عملی که از آن بیرون کشیده همه را موضعی اصولی و موضعی کمونیستی در برخورد به رویدادهای عراق می‌دانم." رجوع کنید به "بحران خلیج و رویدادهای کردستان عراق - اسناد مباحثات و اختلافات درونی جناح‌های حزب کمونیست ایران"، مجموعه یکجلدی چاپ دوم، متن نوار پیاده شده مباحثات این جلسه. صفحه 107.

ضمیمه شماره 1

فهرست مطالب کتاب "بحران خلیج و رویدادهای کردستان عراق - اسناد مباحثات درونی جناح‌های حزب کمونیست ایران":

مقدمه،

- 1 - درباره بحران خاورمیانه، منصور حکمت (مصاحبه با نشریه کمونیست شماره 59)،
- 2 - قطعنامه فراکسیون کمونیسم کارگری در مورد موقعیت و وظایف ما در قبال جنگ احتمالی در خاورمیانه (شامل بخش‌های علنی و داخلی)،
- 3 - جنگ خاور میانه، وضعیت و وظایف ما در اردوگاه‌های کومه له در خاک عراق (متن پیاده شده نوار داخلی ارسالی برای تشکیلات کردستان)
- 4 - اطلاعیه حزب کمونیست ایران درباره جنگ خاور میانه،
- 5 - طلوع خونین نظم نوین جهانی - جنگ آمریکا در خاور میانه، منصور حکمت (کارگر امروز شماره 10)،
- 6 - پیامدهای منطقه ای جنگ خلیج، عبدالله مهتدی (کارگر امروز شماره 11)،
- 7 - جنبش کردستان عراق و جنگ خاورمیانه، عبدالله مهتدی، (کارگر امروز شماره 13)،
- 8 - نقش ناسیونالیسم در تراژدی کرد، ایرج آذرین (کارگر امروز شماره 14)،
- 9 - کردهای عراق، قربانیان چه کسی؟، کورش مدرسی،
- 10 - قطعنامه‌های پیشنهادی به دفتر سیاسی، عبدالله مهتدی، (تحولات عراق پس از جنگ خلیج و سیاست ما، قطعنامه اول)، (تحولات کردستان عراق و روش برخورد ما، قطعنامه دوم)، سند داخلی،
- 11- قرار دفتر سیاسی در مورد رویدادهای اخیر کردستان عراق (سند داخلی)،
- 12 - پیامدهای جنگ خاورمیانه، منصور حکمت، ایرج آذرین، حمید تقوایی، ناصر جاوید (مصاحبه با نشریه کمونیست شماره 61)،
- 13 - ناسیونالیسم و رویدادهای کردستان عراق، نقدی بر سه نوشته از رفیق مهتدی (سند داخلی) منصور حکمت،
- 14 - از میان پیام‌های دفتر سیاسی به کمیته رهبری کومه له (سند داخلی)،
- 15 - بحران خلیج و رویدادهای کردستان عراق - متن پیاده شده نوار مباحثات جلسه اعضای کمیته مرکزی کومه له در خارج کشور درباره قطعنامه‌های پیشنهادی عبدالله مهتدی و نوشته منصور حکمت،
- 16 - اعتراضیه به نوشته رفیق حکمت، محمد شافعی (سند داخلی)،

17 - تخطئه انقلاب تحت عنوان مرزبندی با ناسیونالیسم، عبدالله مهتدی (سند داخلی)،

18 - نوسان به چپ و راست در ناسیونالیسم - در نقد نظرات رفیق عبدالله مهتدی، ایرج آذرین (سند داخلی)،

19 - "کمونیسم" ملی یک بررسی موردی، مروی بر نوشته های رفیق عبدالله مهتدی در مورد رویدادهای اخیر خاورمیانه و کردستان، کورش مدرسی (سند داخلی)

20 - ملاحظاتی انتقادی در مورد دو جزوه رفقا عبدالله مهتدی و محمد شافعی، (سند داخلی) ایرج فرزاد،

21 - انتقاد از مواضع دفتر سیاسی حکا در مورد بحران خلیج و پیامدهای آن (سند داخلی)، عمر ایلخانی زاده،

22 - بازهم درباره "شیوه برخورد به بورژوازی ملی"، نقدی بر نظرات و مواضع رفیق مهتدی (سند داخلی)، حمید تقوایی،

23 - فقط دو گام به پس - درباره رویدادهای کردستان عراق و نظرات رفیق مهتدی در مقاله "تخطئه انقلاب..." (سند داخلی) منصور حکمت.

ضمیمه شماره 2

گزارش پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به اعضا

پلنوم بیستم در تاریخ 30 اوت 1991 تشکیل شد. دستور جلسه عبارت بود از 1- گزارش دفتر سیاسی، 2 - ترتیبات آتی حزب کمونیست ایران، 3 - انتخابات.

تحولات در حزب کمونیست ایران:

موضوع مهم که باید به اطلاع رفقا برسد مربوط به مبحث دوم دستور جلسه است. موضوع اصلی مورد بحث کناره گیری قریب الوقوع اعضای دفتر سیاسی از حزب کمونیست بود. قبل از تشکیل جلسه منصور حکمت طی نامه ای به پلنوم قصد خود را مبنی بر کناره گیری از حزب کمونیست و اقدام به ایجاد یک حزب دیگر اعلام کرده بود. ایرج آذرین و کورش مدرسی نیز طی نامه هایی خطاب به پلنوم بیستم مشابه این تصمیم را به پلنوم اعلام کردند. رفیق رضا مقدم هم در جلسه شفاهه اظهار داشت که در پلنوم 21 رسماً از حزب کناره گیری خواهد کرد. این نامه ها ضمیمه گزارش است.

در مبحث ترتیبات آتی کار حزب کمونیست، منصور حکمت درباره دلایل تصمیم خود توضیحاتی داد و به لزوم یک دوره انتقالی که در آن مقدمات انتقال رهبری و اداره امور تشکیلات به رفقای دیگری در کمیته مرکزی فراهم می شود اشاره نمود. او گفت که این دوره انتقالی از اینرو ضروری است که کناره گیری رفقای فوق به همین سطح نمی ماند و جابجایی ها و تحولات مهمی در حزب کمونیست را موجب میشود. لازم است این دوره با نظم و ترتیب و بر مبنای یک فرهنگ سیاسی بالا طی گردد. به ویژه آینده زندگی و فعالیت سیاسی رفقای حاضر در اردوگاههای کومه له، که از نظر وضعیت اجتماعی و فعالیت سیاسی در شرایطی استثنایی بسر میبرند، نباید دستخوش مخاطره گردد و این رفقا نیز باید قادر باشند تا بدون مواجه شدن با دشواریها و قبول لطمات نظیر سایر رفقای حزبی در مورد آینده سیاسی و تشکیلاتی خود تصمیم بگیرند. بعلاوه لازم است رفقای که در آینده امور حزب را در دست میگیرند فرصتی برای آماده کردن خود و روشن کردن رئوس اقدامات خود پس از نقل و انتقالات داشته باشند.

عبدالله مهتدی خواست تا رفقای کمیته مرکزی نیز تصمیم خود را در قبال این وضعیت جدید به اطلاع پلنوم برسانند. در پاسخ به این درخواست رفقای حاضر در جلسه هر یک در یکی دو جمله راجع باقی ماندن و یا کناره گیری خود از حزب کمونیست اظهار نظر کردند.

رفقای زیر اعلام کردند که آنها هم از حزب کناره گیری خواهند کرد: 1 - حمید تقوایی، 2 - بهروز میلانی، 3 - شهلا دانشفر، 4 - ناصر جاوید، 5 - مجید حسینی، 6 - علی اصغر نیکخواه، 7 - رحمان سپهری، 8 - اصغر کریمی (مشاور کمیته مرکزی)، 9 - مظفر محمدی (مشاور کمیته مرکزی).

رفقای زیر اعلام کردند که در حزب کمونیست و کمیته مرکزی می مانند: 1 - ابراهیم علیزاده، 2 - فاروق بابامیری، 3 - عبدالله مهتدی.

رفقای زیر تصمیم خود را در این پلنوم اعلام نکردند: 1 - حبیب فرزاد، 2 - ابراهیم محمدی (مشاور کمیته مرکزی اظهار کرد که تصمیم خود را بعداً اعلام می کند)

رفقای زیر از نشست پلنوم غایب بودند: 1 - محمد شافعی، 2 - رحمان حسین زاده (مشاور کمیته مرکزی)، 3 - عثمان روشن توده.

در مورد مسائل دوره انتقالی در بخش علنی تشکیلات کردستان حزب، ابراهیم علیزاده در پاسخ به سؤال یکی از رفقا، اظهار داشت که بنظر او وضعیت زیستی، امنیتی و اعزام رفقا، مستقل از تصمیم سیاسی و تشکیلاتی آنها، نباید از این تحولات آسیب ببیند و بهتر است برای دوره ای این امور زیر یک چتر واحد قرار داشته باشد. منصور حکمت از این پیشنهاد بعنوان یک جهت گیری اصولی که میتواند مبنای برخورد به مسائل کردستان باشد استقبال کرد.

انتخابات:

کمیته مرکزی تشکیل یک دفتر سیاسی چهار نفره را تصویب نمود. چهار نفر دفتر سیاسی قبلی و رفقا عبدالله مهدی و ابراهیم علیزاده کاندید شدند. نتیجه انتخابات به شرح زیر بود:

منصور حکمت 15 رای قطعی و 3 رأی مشورتی (اتفاق آراء)، رضا مقدم 15 رای قطعی و 3 رای مشورتی (اتفاق آراء)، کورش مدرسی 11 رای قطعی و 3 رای مشورتی، ایرج آذرین 11 رای قطعی و 2 رای مشورتی، ابراهیم علیزاده 4 رای قطعی و یک رای مشورتی، عبدالله مهدی 4 رای قطعی.

به این ترتیب منصور حکمت، رضا مقدم، کورش مدرسی و ایرج آذرین به عضویت دفتر سیاسی انتخاب شدند. همچنین منصور حکمت با 15 رای قطعی و 3 رای مشورتی به عنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران

3 سپتامبر 1991

توضیحات:

1 - از مجموع 5 نفری که در پلنوم بیستم هنوز تصمیم نگرفته بودند و یا در جلسه حضور نداشتند، حبیب فرزاد و رحمان حسین زاده از حزب جدا شدند و عثمان روشن توده، محمد شافعی و ابراهیم محمدی در حزب باقی ماندند.

2 - در مورد تعداد اعضای کمیته مرکزی حزب در پلنوم بیستم و اعضای مشاور آن توضیح زیر ضروری است. کنگره سوم حزب، هجده نفر را برای کمیته مرکزی و پنج نفر را برای علی البدل انتخاب کرد. حبیب گوپلی (کیلانه) که بعنوان عضو علی البدل انتخاب شده بود، مدت کوتاهی پس از کنگره انصراف داد و تعداد علی البدل ها چهار نفر شد. با جانباختن زنده یاد صدیق کمانگر که عضو کمیته مرکزی حزب بود، تعداد اعضای کمیته مرکزی حزب هفده نفر شد. با استعفای چهار نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب در پلنوم شانزدهم، (جواد مشکلی، عمر ایلخانی زاده، ساعد وطن دوست، حسین مراد بیگی) تعداد اعضای اصلی سیزده نفر شد. مطابق موازین حزب، اعضای علی البدل توسط کنگره با حق جایگزین شدن با اعضای اصلی کمیته مرکزی که بهر دلیلی قادر به ادامه عضویت در کمیته مرکزی نبودند، انتخاب می شدند. در مقطع پلنوم شانزدهم، تعداد اعضای کمیته مرکزی پنج نفر کاهش یافته بود و تعداد اعضای علی البدل چهار نفر بود. بدین ترتیب هر چهار عضو علی البدل (شهلا دانشفر، مجید حسینی، عثمان روشن توده و کاظم نیکخواه) عضو اصلی کمیته مرکزی شدند و تعداد اعضای کمیته مرکزی هفده نفر شد.

3 - نتیجه دور اول انتخابات کمیته مرکزی منتخب کنگره سوم حزب به ترتیب زیر بود. مطابق موازین حزب اعضای کمیته مرکزی با اکثریت نسبی آراء انتخاب نمی شدند و باید حداقل دارای نصف باضافه یک آراء می بودند. در کنگره سوم که 52 رای قطعی وجود داشت برای انتخاب به کمیته مرکزی حداقل به 27 رای نیاز بود.

1- ابراهیم علیزاده 52 رای، (اتفاق آراء)، 2 - عبدالله مهدی 52 رای، (اتفاق آراء)، 3 - حمید تقوایی 52 رای، (اتفاق آراء)، 4 - منصور حکمت 52 رای، (اتفاق آراء)، 5 - ایرج آذرین 52 رای، (اتفاق آراء)، 6 - رضا مقدم 52 رای، (اتفاق آراء) 7 - جواد مشکلی 45 رای، 8 - رحمان سپهری 45 رای، 9 - عمر ایلخانی زاده 44 رای، 10 - صدیق کمانگر 39 رای، 11 - فاروق بابا میری 37 رای، 12 - کورش مدرسی 35 رای، 13 - ساعد وطن دوست 35 رای، 14 - ناصر جاوید 32 رای، 15 - حبیب فرزاد 29 رای، 16 - محمد شافعی 28 رای، 17 - بهروز میلانی 26 رای، 18 - شهلا دانشفر 26 رای، 19 - حسین مراد بیگی 25 رای، 20 - مجید حسینی 21 رای، 21 - حبیب گوپلی (کیلانه) 17 رای، 22 - عثمان روشن توده 15 رای، 23 - غلام کشاورز 13 رای، 24 - اصغر کریمی 13 رای، 25 - کاظم نیکخواه 12 رای، 26 - ابراهیم محمدی 10 رای، 27 - مجید محمدی 10 رای، 28 - رحمان حسین زاده 9 رای، 29 - ایرج فرزاد 9 رای، 30 - مظفر محمدی 8 رای، 31 - مینه حسامی 6 رای، 32 - صلاح مازوجی 6 رای، 33 - مصطفی صابر 6 رای، 34 - ابوبکر مدرسی 6 رای، 35 - فاتح شیخ الاسلامی 4 رای، 36 - حسن شمسلی 4 رای، 37 - اسد گلچینی 3 رای، 38 - هاشم رضایی 3 رای.

بدین ترتیب 16 نفر در دور اول به کمیته مرکزی انتخاب شدند. انتخابات برای دو نفر باقی مانده به سهولت انجام نشد. مانند همیشه در هر دور تعدادی از کسانی که کمترین آراء را داشتند حذف میشدند و مجددا رای گیری

میشود. در پایان حسین مراد بیگی در دور سوم و با 27 رای و بهروز میلانی در دور پنجم با 33 رای به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدند.

برای اعضای علی البدل کمیته مرکزی، شهلا دانشفر و مجید حسینی در دور اول، عثمان روشن توده و حبیب گوبلی (کیلانه) در دور دوم و کاظم نیکخواه در دور چهارم انتخاب شدند.

به نقل از نشریه به پیش،

شماره های 70 (12 دی 1390، 2 ژانویه 2012) و 72 (13 فروردین 1391، 1 آوریل 2012)

www.wsu-iran.org

wsu_wm@yahoo.com